فهرست

[روش چهارم و پنجم تربیت جنسی 2](#_Toc90669639)

[روش هفتم؛ پرهیز از بوسیدن لب و گونه 3](#_Toc90669640)

[روش هشتم؛ 4](#_Toc90669641)

[روش نهم؛ سامان دهی جنسیتی 4](#_Toc90669642)

[پاسخ به سؤالات 7](#_Toc90669643)

[روش دهم؛ فراهم آوردن شرایط ازدواج متربی 8](#_Toc90669644)

[پاسخ به سؤالات 8](#_Toc90669645)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**

# روش چهارم و پنجم تربیت جنسی

چون این دو روش مرتبط با هم هستند یک جا اورده شدند تا نتایج فقهی آن‌ها بیان کنم

برخی شاید غفلت کنند که در مورد کودک آیا عورت کودک را نگاه کنند یا خیر، یا والدین عورتشان را از کودک بپوشانند یا خیر؟ این قیود و نتایجش را خواهیم گفت. دلیل اصلی این روش آیه قرآن است که می‌فرماید: ﴿ق**ُلْ لِلْمُؤْمِنينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكى‏ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما يَصْنَعُون**[[1]](#footnote-1)﴾ این عمومیت دارد و روایاتی که ذیل این هست که اگر بخواهم روایات را توضیح بدهم خیلی طول می‌کشد.

علاوه بر ادله‌ای که نگاه کردن به عورت دیگران را نهی کرده‌اند در یک روایات به طور خاص نگاه نکردن به عورت بچه را مورد نهی قرار می‌دهد.

این چند روش دارد یکی اینکه تکلیف متوجه ما هست که خودمان نگاه نکنیم که ممیز هست. بچه تکلیف ندارد اگر نگاه کند، شما هم وقتی نگاه نمی‌کنید خود به عنوان یک روش الگویی برای آموزش جنسی هست بچه می‌بیند که مامان او را دستشویی برده است با اینکه خود بچه نتواند دستشویی کند یا حمام کند پدر و مادر به عورت بچه نگاه نمی‌کنند شاید سؤال برای بچه ایجاد بشود که چرا نگاه نمی‌کنند همانجا می‌تواند این الگو را دریافت بکند که خوب نیست، بچه‌ای که ممیز نیست. امکان دارد خودش نتواند حمام کند شما مجبورید ببرید. اول باید خود آن‌ها که او را به حمام یا دستشویی می‌برند عورت خودشان پوشیده باشد یا افراد دیگری که هستند هم پوشیده باشد و هم نگاه نکنند به بچه ممیز.

این آیاتی که هست شاید برخی توجه نکنند ولی ادله عامی که هست شامل عورت بچه ممیز هم می‌شود اسلام خیلی به آن تاکید کرده است که در مورد مسائل عورت و عفت تاکید کرده است که در ادامه ادله هم خواهد آمد که ادله عام هم هست و وقتی ادله عام هست شامل بچه ممیز هم می‌شود قبلا گفتم بچه ممیز کیست؟

قبل از آن هم یکی می‌خواهد احتیاط بکند اما شامل بچه ممیز می‌شود.

خود بچه نگاه نکند قید وجوب ندارد اما از سوی اولیاء و کسانی که با بچه مرتبط هستند این قید وجوب هست به دلیل اینکه این نمی‌تواند حمام برود یا دستشویی بکند این دلیل جواز نگاه کردن نیست حتی انسان می‌تواند نگاه نکند بعد از سن تمییز، ببرد حمام و بشورد و آن طرف نگاه کند.

اثرات سوء معنوی هم نداشته باشد هم برای خود افراد و هم برای بچه، یک الگوی آموزش جنسی هم محسوب می‌شود.

روش ششم

این روش به عنوان یک روایت مورد قبول نیست اما از لحاظ دلالی بررسی کردیم یک بحث سندی هست که سند ضعیف است یا اگر کثرت دارد هفت هشت روایت هست ادم به قدر مشترک می‌تواند از لحاظ فقهی اخذ کند اگر یکی دو روایت هست ادم نمی‌تواند از آن‌ها حکم فقهی استخراج بکند.

در آن روش قبلی مباشرت نکردن با آلت کودک بعد از شش سال فقط یک روایت هست که این روایت هم ضعیف است ﴿**مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْنَتَهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتَّ سِنِينَ شُعْبَةٌ مِنَ الزِّنَا**[[2]](#footnote-2)﴾ اگر خانمی با دختر بچه‌اش مباشرت کند، حالا به آلت او دست بزند، -مطلق مباشرت نیست- زمانی که به سن شش سالگی رسیده است شعبه‌ای از زنا هست. از لحاظ دلالی می‌گویم از لحاظ فقهی نه، باید اولیاء و تمام افرادی که با این بچه مرتبط هستند باید اجتناب کنند و به آلت او دست نزنند در دستشویی و مواردی از این قبیل، سند روایت ضعیف است اما از لحاظ دلالی جنسیت فقط مال دختر نیست به طریق اولی پسر را هم شامل می‌شود چون این کار عموماً توسط مادر صورت می‌گیرد نسبت به دختر بچه‌اش این عبارت از این حیث مورد توجه قرار گرفته است.

از لحاظ دلالی تاکید می‌کنم از لحاظ دلالی مطلق مباشرت نیست اینکه بوسه کند بغل بگیرد اینها نه تنها اشکال ندارد بلکه استحباب هم دارد مطلق تماس با مواضع خاصی است قطعاً مثلاً در حمام و دستشویی است اگر خواست به آلت بچه دست بزند چون عموماً توسط مادر انجام می‌گیرد به این نقطه تاکید می‌کند گفتیم جنسیت دخیل نیست پدر را هم شامل می‌شود یا مثلاً پدر بخواهد مباشرت کند با پسر بچه یا دختر بچه خودش این موارد را هم شامل می‌شود

از لحاظ دلالی این را مد نظر داشته باشید این حرمتی که از روایت استفاده می‌شود در صورتی که قصد ملاعبه و قصد گناه نباشد اگر به قصد گناه باشد به طریق اولی حرام است حتی اگر این روایت نباشد خودش حرام است اما در صورت‌عدم ملاعبه هست می‌گوید باز این کار را نکن.

این که مباشرت با الت کودک باشد یا نباشد سراغ ادله دیگر می‌روند که گفتیم که ادله بالا که نگاه کردن هست گفتیم مباشرت را هم شامل می‌شود آن ادله قبلی این را می‌رساند ولی خصوص شش سالگی و خصوص مباشرت با دختر بچه باشد یا مادر باشد که بعضی صحبت‌ها که می‌شود از این روایت توضیح داد نمی‌شود به این روایت تمسک کرد چون روایت ضعیف السند است.

# روش هفتم؛ پرهیز از بوسیدن لب و گونه

پرهیز از بوسیدن لبها و گونه‌ها محارم را شامل می‌شود با قصد ریبه، در این زمینه روایاتی هست که می‌فرماید حتی در مورد محارم هم باشد می‌فرماید شما پیشانی را ببوسید اینجا دو روایت بیشتر نیست که ضعیف السند هستند نمی‌شود به آن تمسک کرد دقت کنید فرض بررسی فقهی با بررسی غیر فقهی این جور موارد ظاهر می‌شود که وقتی می‌خواهیم به روایات اهل بیت علیهم السلام تمسک کنیم باید بررسی فقهی کنیم و الا نمی‌توان به دین نسبت داد. دو روایت هست یکی می‌گوید لیس قبلة علی فمه بوسه زدن بر لبها جایز نیست مگر اینکه همسر انسان باشد یا بچه کوچک باشد.

یک روایت دیگر هست که می‌فرماید زمانی که می‌خواهید محارم خود را ببوسید، محارمی که جنس مخالف هستند زمانی که به سن تکلیف رسیده اند، خواهر، عمه و خاله به سن قاعدگی رسیده است این روایت می‌گوید ببوسد بین عینی‌ها و رأسها، بین دو چشم، پیشانی و سر او را ببوسد و صورت و لبها را نبوسد.

این روایت از لحاظ دلالی دلالت می‌کند که این کار را نکنید از این کار پرهیز کنید واجب است که این کار را نکنید ولی از لحاظ دلالی می‌گویم چون اینها ضعف سند دارند نمی‌شود به این روایت و مفاد آن‌ها تمسک کرد به قواعد عام و ادله دیگر می‌رویم که آن‌ها می‌گویند اگر قصد ریبه نباشد و قصد تلذذ گناهی نباشد حتی مکروه هم نیست اینکه شما صورت مادر خود را می‌بوسید یا آقایی صورت خواهرش را می‌بوسد حتی کراهت هم ندارد. چون روایت نیست فقط دو روایت هست که آن‌ها هم ضعیف السند هستند ما نمی‌توانیم به آن‌ها تمسک کنیم و نتایج فقهی از آن‌ها اخذ کنیم این روایت‌ها را نمی‌شود تمسک کرد.

در مقابل روایات زیادی داریم که بوسه مخصوصاً در مورد فرزند خیلی تاکید می‌کند اینکه پدری فرزند دخترش حتی در سن چهارده پانزده سال به خاطر این روایات بخواهد او را نبوسد اگر قصد ریبه از دو طرف نباشد روایات فرموده‌اند که ثواب هم بر آن مترتب هست و به خاطر این روایات ضعیف السند نباید از اینها پرهیز کرد.

یک بحث فقهی هست که اگر گروه اول از روایات می‌گفت کراهت یا حرمت، گروه دوم قید گروه اول هستند که می‌گوید بوسه بزنید تقیید می‌کند می‌گوید بوسه بکنید حتی بر صورت و گونه ولی چون آن دلالت بر کراهت و حرمت ندارند در نتیجه تعارضی بین این دو گروه از روایات نیست و نتیجه می‌ماند که اگر قصد ریبه نباشد اشکال ندارد.

# روش هشتم؛

دختر شش‌ساله بالای نامحرم در دامن خود ننشاند یعنی بغل نکند و نبوسد که حکم کراهت دارد شش روایت در این زمینه وجود دارد روایت صحیح السند هست روایت عبدالله بن کاهلی که روایت موثقی هست حتی اگر موثق هم نباشد شش روایت قدر مشترک را می‌توان اخذ کرد.

این روایت‌ها هست که دلالت این روایت‌ها چیست؟

اولا فقط بر کراهت دلالت می‌کند بحث آن مفصل است، بوسیدن مستقیم است دختر شش‌ساله نامحرم را کراهت دارد بوسه بزنید به سن تکلیف که نرسیده است از روی چادر یا لباس می‌بوسد شامل نمی‌شود فقط در مورد نامحرمان هست. وفقط شامل آغوش گرفتن و بوسیدن هست، نه نوازش و دست دادن.

# روش نهم؛ سامان دهی جنسیتی

روش مهمی است که به آن تفکیک جنسیتی می‌گوییم، بعضی جاها ساماندهی است بعضی جاها تفکیک است و بعضی جاها تفکیک نیست.

بحث خیلی مهمی است چون در این زمینه دو بحث است یک بحث اخلاقی که وظیفه خود مکلف چیست و بحث تربیتی که وظیفه والدین چیست

چون بحث اخلاقی در هیچ جایی نشده بود مجبور شدیم در این کتاب فقه تربیتی اول بحث اخلاقی را بیاوریم و بعد در ادامه بحث تربیتی را اوردیم.

در این زمینه نُه روایت است که پنج روایت موثقه هست و یک آیه قرآن که دلالت آیه ۵۳ سوره احزاب که در مورد این است که وقتی می‌خواهید با زنان پیامبر چیزی را بده بستان کنید از پشت حجاب باشد خیلی بحث مفصلی هست ولی در مورد آیه شریفه در مورد غیر زنان پیامبر محل تردید است لذا این آیه بعد از بررسی مفصل، مورد تردید است و تردید نه به این معنا که دلالت نمی‌کند یعنی چون حکم فقهی می‌خواهیم استنباط کنیم، حکم فقهی را نمی‌شود با تردید به دست آورد.

بعد موثقه ابی بصیر هست که اگر بخواهیم وارد بحث بشویم مفصل است ولی دلالت آن به وجوب دوری از مزاح شهوانی و با ریبه در تمام مراودات اجتماعی است چه مراودات آموزشی باشد و چه مراودات دیگر باشد این مزاح شهوانی، هر مزاحی هم نه، مثلاً فرض کنید استاد و شاگرد هم جنس نیستند، مطلق مزاح حرام نیست، بلکه مزاحی که همراه با ریبه باشد این در کلیه مراودات اجتماعی حرام است در موثقه ابی بصیر این را می‌رساند.

موثقه مسعده دو روایت هست که روایت اولی کراهت مراوده زیاد با زنان نا محرم است این مراوده زیاد، کَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاء این مراوده خیلی زیاد را می‌گوید. در خود مراوده کثرت وجود دارد این کثرت که در کنار مراوده آمده است کثرت زیاد با زنان نامحرم کراهت دارد هر چند با قصد ریبه نباشد. به اندازه ضرورت مراوده داشته باشد.

تکلم با زنان اگر با قصد ریبه باشد مطلقا حرام است اگر بدون قصد ریبه باشد اینکه می‌گوییم تکلم با زنان حکم در مورد زنان نسبت به مردان هم هست این فقط حکم برای مردان نیست.

تکلم با زنان بدون قصد ریبه اگر با زنان جوان یا زنان پیر که تاثیر گذار است بعضی از زنان که بالای پنجاه سال دارند ولی به خاطر اینکه به خودش رسیده است مخصوصاً با شیوه‌های جدیدی که هست ادم نگاه می‌کند مثل زن سی‌ساله دیده می‌شود زنان پیر که می‌گوییم فقط سن ملاک نیست زنان پیری که تاثیر گذار باشند این کراهت جریان دارد اما در غیر این دو مورد کراهت هم ندارد یعنی فقط این موارد هست چون موثقه مسعده همین مورد را شامل می‌شود در مورد زنان پیر یا کسانی که خیلی زیبا نیستند و تاثیر چندانی ندارد تکلم کنیم کراهت ندارد.

در حکم خروج زنان از منزل

این روایت در حکم خروج زنان از منزل خیلی تاکید می‌کند اگر بیرون رفتن زنان از خانه باعث حرام بشود حرام است اگر حرام نباشد در غیر این صورت مکروه با آن قیدی که گفتیم، اگر تاثیر بگذارد و میزان که هست.

یک موثقه غیاث بن ابراهیم هست که دلالت بر حرمت مراوده‌های زن و مرد دارد که برخورد منجر می‌شود حضرت علی علیه السلام می‌فرماید به بازار می‌روم برخورد می‌کنم مواظب است که برخورد جسمی می‌شود در این اندازه دلالت دارد.

موثقه ولید بن صب که راه رفتن زنها در وسط راه‌ها که منجر به فساد حرام است و در غیر آن صورت مکروه است در صورتی که در وسط راه‌ها می‌روند که در معرض برخورد هستند یا در معرض اینکه آقایان به گناه بیفتند کراهت دارد و حرام نیست

سه روایت دیگر هست؛ روایت حسین بن زید از جهت دلالی گفتیم چون سندشان ضعیف است گفتیم از لحاظ دلالی‌عدم کراهت صحبت با نامحرم به مقدار ضرورت و کراهت بیشتر از ضرورت است. گفتیم رفع سند دارد و نمی‌شود استخراج کرد.

روایت سعید بن مسیب از لحاظ دلالی این را دقت کنید روایت از حضرت فاطمه زهرا علی‌ها السلام هست که فرمود خیر النساء بهترین زنان کسانی هستند که مردان آن‌ها را نبینند و آن‌ها هم مردان را نبینند. این روایت را برخی تمسک می‌کنند و مردان را نبینند و مراوده نداشته باشد این روایت ضعیف السند است و نمی‌شود به آن تمسک کرد.

روایتی که از سوار کردن زنان بر اسب نهی کرده است این روایت حتی کراهت را نمی‌رساند لازم نیست مربیان یا شوهر یا پدر او را سوار کند بعضی می‌گویند این نهی هست حرام هست و موتور هم سوار نشوند؛ روایت ضعیف السند است و از لحاظ دلالی هم از این بابت که اینها به خاطر اینکه منجر به تحریک شهوی می‌شود هست یا به خاطر تبرج است در این تردید است تبرج یعنی در معرض دید قرار می‌گیرد از کدام بابت است مورد تردید است در نتیجه ما نمی‌توانیم به این تمسک کنیم حتما به خاطر این است که این قضیه موجب تهییج شهوی می‌شود لذا حرام است بعضی تنقیح مناط هم می‌کنند می‌گویند در خصوص موتور و دوچرخه هم نباید سوار بشود.

حکم چیست؟ با فرض می‌گوییم اگر سوار بشود و موجب تهییج شهوی بشود یا در معرض دید و گناه واقع می‌شود در برخی از موارد می‌توان از ادله دیگر می‌توان گفت حرمت دارد از ادله دیگر استفاده می‌شود از این روایت چنین چیزی استنباط نمی‌شود.

در مجموع ساماندهی جنسیتی چه می‌تواند باشد ما اینجا اورده‌ایم مجموع روایت به این دلالت می‌کند که کسی زنان را نبیند و زن هم کسی را نبیند یک روایت غیر معتبر هست و نمی‌شود تمسک کرد حکم فقهی ندارد.

بحث ساماندهی جنسیتی که استحباب رفت و آمد کم با جنس مخالف با اختلاف کم مشترک بیشتر ادله بود یعنی رفت و آمد کم با جنس مخالف داشته باشد این استحباب دارد

استحباب دارد نه اینکه بر عکس آن ما بگوییم اگر این کار را بکنید حرام است خود این رفت و آمد کم استحباب دارد.

در صورت برخورد فیزیکی زن و مرد چنین برخوردی حرام است روایت امیرالمؤمنین در بازار می‌دید و برخورد می‌کرد

تکلم با زنان؛ یعنی تکلم دو جنس مخالف اگر با قصد ریبه باشد حرام است اگر بدون قصد ریبه باشد در زنان جوان و زنان تاثیر گذار کراهت دارد و در غیر زنان جوان و غیر تاثیر گذار کراهت هم ندارد با آن قیدهایی که گفتیم.

در حکم خروج زنان چگونه است یعنی زنان از خانه خارج بشوند اگر بیرون رفتن باعث گناه بشود حرام است در غیر این صورت در صورت مراوده خیلی زیاد کراهت است و خانه ماندن هم موضوعیت ندارد مخصوصاً الان که فضای مجازی هم هست اگر در خانه مرتکب حرام می‌شود حرمت دارد در بیرون از خانه مرتکب حرام نمی‌شود حرمت ندارد

اشتغال زنان که بحث مفصلی هست باز احکام انجوری هست که حرمت یا کراهت یاعدم کراهت در برخی موارد اینجا هم جریان دارد در شغلهای ضروری اگر عنوان ثانوی عارض بشود از نظر فقهی عنوان ثانوی عارض بشود اگر اهم بشود بر عنوان اولی مقدم است می‌تواند کراهت و در بعضی موارد حتی حرمت قضیه را هم اگر در صورت اهم فالاهم ببرد مخصوصاً در موقعیت‌های خاص.

در مجموع دستورات خلوت با اجنبی و ریبه یعنی قصد گناه و مدافعه یعنی برخورد با همدیگر حرمت دارد که بقیه موارد مراوده خیلی زیاد کراهت دارد بقیه موارد کراهت هم ندارد.

مثلاً خانم در دانشگاه یا مراودات خانوادگی هست اگر جنسیت‌ها از هم جدا بشود خیلی مطلوب است و استحباب دارد اینکه بعضی در مراودات خانم و آقا جدا شام می‌خورند استحباب دارد ولی بگوییم حرمت دارد با آن قیودی که هست.

در مراودات خانوادگی اگر تفکیک جنسیتی انجام نشود و منجر به گناه بشود حرام است در غیر این صورت استحباب دارد. الان بعضی می‌پرسند که بعضی در خانواده رفت و آمد می‌کنند و تفکیک جنسیتی هست این استحباب دارد و ادله ما این را می‌رسانند.

# پاسخ به سؤالات

اگر مختلط شدن موجب گناه بشود

جواب: اگر موجب گناه بشود مطلقا حرام است اثر منفی بیشتر از اثر مثبت است اگر سبب ایجاد گناه بشود آن وقت حرمت دارد ولی اگر ایجاد گناه نمی‌شود ولی اثر منفی آن بیشتر از اثر مثبت است در این صورت هم در مقام تعارض هستند اهم و مهم می‌شود یعنی بحث در حکم نیست در تعارض نیست در مقام تزاحم هست که در موقعیت‌های تزاحم، یعنی حکم هست و معلوم است ولی الان در مقام تزاحم می‌بینیم مزاحمت بین این دو ایجاد می‌شود آن وقت اهم و مهم می‌کنیم گاهی اهم است فرض کنید این شخص در آن دانشگاه درس بخواند یک سری اثرات اهمی دارد که آن مقدم است و در مقام تزاحم باید به آن دقت کرد.

سؤال: تفکیک جنسیتی در آموزشگاه‌ها و مهد کودک‌ها

جواب: تفکیک جنسیتی در مراکز آموزش حالا مهد کودک‌ها بچه با آن سن کم نه به سن تکلیف رسیده است و نه به سن تمییز. بیشتر در در مراکز آموزشی است که در نظام ایران در دانشگاه‌ها هست که این تفکیک جنسیتی خوب است باشد بله استحباب دارد ولی وجوب دارد؟ خیر وجوب ندارد

این مسئله را هم اولیاء می‌توانند به آن دقت کنند و هم نهادها و هم قانونگذار‌ها که تکلیف‌های متعددی را می‌تواند داشته باشد.

آقای طوسی یک مقاله‌ای دارد که اختلال جنسیتی را که مختلط باشند از نزد خود غربی‌ها بررسی کرده است در غرب هم همه اینجور نیست که بگویند مختلط باشند در مراکز آموزشی خودشان چقدر متخصصین و افرادی هستند که با این اختلاط مخالف هستند. از دیدگاه خود غربی‌ها رد کرده است اختلاط جنسیتی.

موافقین و مخالفین زیادی دارند که خیلی بحث عمیق دارد

# روش دهم؛ فراهم آوردن شرایط ازدواج متربی

به طور مطلق است مخصوصاً در مورد متربی و مخصوصاً در مورد اولاد این به طریق اولی جریان دارد بحث مفصلی دارد که در دو بحث است که فراهم آوردن شرایط ازدواج متربی هست که و یک وقت آسان گیری در تزویج متربی هست در خصوص فرزندان تاکید بیشتری هست مخصوصاً در مورد فرزند دختر را برخی روایت تاکید بییشتری قرار می‌دهند که وقتی سن ازدواج آمد شما می‌توانید تاخیر نیندازید و منت‌ها قید و قیودی دارد. جناب دکتر آذربایجانی حفظه الله در کتاب خانواده در اسلام این بحث را خوب مورد توجه قرار داده‌اند که بحث ازدواج و اسان گیری در ازدواج مورد بررسی مفصل قرار گرفته است.

ادله‌ای که به طور عام می‌گویند که تزویج دیگران یعنی به ازدواج در آوردن دیگران استحباب دارد، عام است یعنی به کسی که آشنا نیست مثلاً به کمیته امداد پول می‌دهید که جهیزیه بخرند برای عروسانی که مشمول طرح هستند این استحباب دارد اما در مورد مکلف بالغ اولیاء متربی هستند ولی منحصر به آن‌ها نیست بعضی از ادله هم تزویج فرزند را از حقوق فرزند بر اولیاء می‌شمارد.

در برخی از روایات فرزند مؤنث را تاکید بیشتری دارند که آن استحباب مؤکد را می‌رساند.

به همین مضمون فراهم اوردن شرایط ازدواج دیگران به ویژه خود فرزندان انسان باشد و آسان گیری در این ازدواج مستحب مؤکد است. مسئله‌ای که امروزه باید با آن مقابله کرد به قول مقام معظم رهبری سبک زندگی را بعضی عوض کرده‌اند و کسانی که آسان گیری در ازدواج می‌کنند و ازدواج فرزندان یا خودشان را این‌ها باید مورد تحسین قرار بگیرند نه اینکه مورد تقبیح قرار بگیرند.

ادله دینی در این زمینه خیلی مفصل است و قدر مشترک ادله همین است و این باید به عنوان یک سبک زندگی مطلوب مد نظر قرار بگیرد.

# پاسخ به سؤالات

سؤال: آسان گیری موجب توهین به دختر می‌شود.

جواب: اینها بستگی به سبک زندگی ما دارد وقتی اسان گیری می‌کنند بگذارید دختر خوشبخت باشد بگذارید شما الگو برای دیگران باشید

سؤال: در مورد افراد خنثی تربیت جنسی کار شده است یا خیر؟

جواب: یک بحث خنثی هست یک بحث ترنس هست یعنی خانم‌هایی که میل دارند یا پندار دارند که می‌خواهند مذکر بشوند یا آقایانی که میل دارند مؤنث بشوند. این بحث خیلی بروز هست آیا می‌شود روی این مسئله کار کرد و حتی برخی در فضای مجازی دیدم انهایی که مدافع این جریان هستند و می‌گویند عمل جراحی انجام بدهند اینها آخر سایت می‌بینی برخی از این افراد خودشان صاحب منفعت هستند که اینگونه تبلیغ می‌کنند. و برخی هم می‌گویند انهایی که عمل جراحی انجام می‌دهند و جنسیتشان را تغییر می‌دهند بیشتر تحقیقات به این سمت رفته است که اینها اثرات خیلی نامطلوبی دارد علاوه بر اینکه اینها نمی‌توانند بچه دار شوند و اثرات روانی خیلی نامطلوبی می‌گذارد هر چند در کوتاه مدت خیلی راضی باشد که به آرزوهای چندساله‌اش رسیده است

ما اعتقاد داریم در تربیت دو جنسیتی‌ها این‌ها قابل تربیت هستند تربیت اینها یک مقدار از دوران کودکی هست که تربیت‌هایی بکنید که تربیت جنسیتی داشته باشند که با جنسیت خودشان کنار بیایند آیات قرآن هم هست در این مورد من دارم کار می‌کنم.

خود آیه قرآن می‌فرماید آرزوی چیزهایی که جنس مخالف دارد را نکنید مکلف این مسئله چیزی که افراد جوانحی و جوارحی هست می‌فرماید حتی آرزوی آن را نکنید حکم را به چیز درونی می‌برد و بررسی آن خیلی مفصل است

ولی چیزی که هست بنده به این نتیجه رسیدم که اینها قابل تربیت هستند و حتی مراجعانی داشته‌ام که با نکات تربیتی اینها درمان می‌شوند

درمان لازم نیست به طور مطلق درمان بشوند ولی سی چهل درصد نسبت به قبل فرق می‌کنند و با جنسیت خود کنار می‌آید احساس شادمانی می‌کند این افراد ترنس را می‌شود تربیت کرد.

بهترین تربیت این است که از همان دوران کودکی با جنسیت خود کنار بیاید و از لحاظ مذهبی با این جور افراد می‌شود وارد شد که خیلی جنسیت خودشان را بد ندانند و تمایلات جنس مخالفش تا یک میزانی طبیعی است

یک نکته طرداً للباب بگویم در روانشناسی افُ‌ام می‌گویند که یعنی تمایلات زنانه مردان و تمایلان مردانه زنان یک میزانی از این تمایلات جنس مخالف در انسان باشد این به هنجار است این خوب است اگر این نباشد ادم جنس مخالف را درک نمی‌کند در برخی از افراد خیلی بیش از حد است و این بیش از حد گاهی به جایی منجر می‌شود که اختلال ایجاد می‌کند که طرف می‌خواهد جنس مخالف باشد در آنجا مرحله درمان و مشاوره وارد می‌شود و خیلی درمان و مشاوره‌اش سخت است منت‌ها با نکات تربیتی و از لحاظ شناختی و رفتاری و عاطفی، یعنی سه تا زمینه شناختی و کنشی و عاطفی چندین جلسات مختلف باید روی آن کار بشود که این بتواند درمان صورت بگیرد و درمان سخت است ولی قابل تربیت و قابل درمان هستند اینجور که غربی‌ها می‌گویند سریع تغییر جنسیت بدهند بنده به این نکته رسیده‌ام که این کار لزومی ندارد. بحثهای در این زمینه از لحاظ دینی را ندیدم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد.

1. - سوره نور، آیه 30 [↑](#footnote-ref-1)
2. - من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 436 [↑](#footnote-ref-2)